

نگاهی به ریشه‌های مافیایی امپراتوری امریکا در سه گانه «پدر خوانده»

می‌خواهی امریکایی باشی دست‌هایت را به خون آلوده کن

کاترین
جواد محرمی

لیست‌های بهترین فیلم‌های منتخب محافل نقد و کارشناسی قرار داشته است و با وجود تلاش‌های مشکوک برای برهم زدن چیتش این لیست‌ها، این فیلم همچنان در ردیف‌های بالا تاخت می‌زند. اینکه «پدر خوانده» چرا از ابتدا میان منتقدان و تماشاگران جدی سینما محبوب بوده و هنوز هم است، قابل بررسی است، اما اصلی‌ترین دلیل را باید در ار جاع غیرمستقیم به مسائلی دانست که بیش از همه جنبه‌ای سیاسی و اجتماعی دارد و به ریشه‌های حکومت در ایالات متحده برمی‌گردد. ار جاعاتی که نشان می‌دهد امریکا اساسا حکومتی مافیایی است. بنابراین «پدر خوانده» را باید یک فیلم ضدسیستم دانست که حوادث آن در یکی از هول‌انگیزترین و مهم‌ترین مقاطع تاریخ ایالات متحده، یعنی چالش با سوسیالیسم در جهان و به ویژه درون خود امریکا اتفاق می‌افتد. پدیده‌ای که کشورهای امریکای لاتین را در نوردید و لهیب آتش آن به همه جا سر کشید. کوبا که برخی از مهم‌ترین سکناس‌های نسخه دوم فیلم در آنجا اتفاق می‌افتد، به دلیل نزدیکی با ایالات متحده از موقعیتی حساس تر برخوردار بود.

■ ■ ■

فیلم‌های اقتباسی همیشه در تاریخ سینما درخشیده‌اند. در واقع، آنچه از ادبیات برخاسته و به فیلم تبدیل شده، همواره غنای بیشتری نسبت به آثار دیگر داشته است.

«پدر خوانده» نیز فیلمی اقتباسی است. کاپولا فیلمنامه آن را با اقتباس از رمانی به همین نام، اثر مار یو پوزو نویسنده ایتالیایی نوشته است. اینکه چرا این فیلم در زمان اکران و نیز تا به حال اثری محبوب بوده، دلایل زیادی دارد. وامدار بودن از ادبیات یکی از آنهائست. حضور مارلون براندو در پخته‌ترین دوران هنری‌اش، با نقشی کاملا متفاوت و خاص و نیز معرفی آل پاچینو، دلیل دیگر آن است. موسیقی بی‌نظیر که یک شاهکار محسوب می‌شود، از دیگر دلایل ماندگاری اثر است، اما آنچه از همه اینها مهم‌تر است، محتوای فیلم است: ترسیم ریشه‌های مافیا در حکومت ایالات متحده. «پدر خوانده» در واقع نقدی تلخ، پیچیده و ترازیک از «روای امریکایی»، سیستم سرمایه‌داری و فساد درون‌سیستمی است؛ آن هم در دورای که امریکا در حال تثبیت پایه‌های ابرقدرتی خود است.

■ جشن در میانه انقلاب

سکناس معروف جشن دارو دسته‌های امریکایی در کوبای در آستانه انقلاب در فیلم «پدرخوانده» که با یک تدوین موازی به صحنه‌هایی از سقوط پایه‌های سرمایه‌داری امریکایی پیوند می‌خورد، با حال و روز این روزهای امریکای ترامپ قابل مقایسه است: یک ابرقدرت در حال افول که سعی دارد همه چیز را با رسانه و نمایش عادی جلوه دهد، اما به طور موازی، اتفاقات پیرامونی آن خبر از یک سقوط زده‌هنگام می‌دهد. در فیلم به خوبی نشان داده می‌شود که حیات‌خوت امریکا، یعنی کوبا، چگونه از سوی انقلابیون طرفدار کاسترو در حال فروپاشی است و در عین حال، سران مافیای امریکایی چگونه در میان این آتش و خون، غرق در بدمستی در قصرهای هاوانا هستند و سرعت تحولات به برخی از آنها انقدر فرصت نمی‌دهد که به موقع پا به فرار بگذارند.

«پدر خوانده» نشان می‌دهد که مافیا یک انحراف یا تومور سرطانی در بدنه جامعه نیست، بلکه بازتاب مستقیم و نتیجه منطقی خود سیستم سرمایه‌داری امریکانست و دقیقا درباره ریشه‌ها صحبت می‌کند:

ریشه‌های فساد، خشونت، برتری جویی، دروغ، پنهان کاری، انباشت سرمایه، خیانت و در رأس همه اینها جنایت و به خوبی نشان می‌دهد که از دل این همه ردیلت نمی‌تواند روای امریکایی بیرون بیاید. اینکه حکومت در امریکا یک مافیای بزرگ است، مفهومی است که کاملا عینی خود را نشان می‌دهد.

■ این فقط تجارت است و هیچ هویتی ندارد

دنیای اصلی خیلی از فیلم‌های مهم تاریخ سینما را می‌توان از میان برخی دیالوگ‌های آن شناخت. دون کورلونه بارها تکرار می‌کند: «این هیچ هویتی ندارد، فقط تجارت است». این دقیقا منطق شرکت‌های بزرگ امریکایی است.

خانواده کورلونه یک بنگاه اقتصادی است که اعمال و افعال آن نه ریشه در خلأ قدرت رسمی، بلکه از دل همان قدرت رسمی سربر می‌آورد. فیلم به زیبایی نشان می‌دهد خشونت نظام‌مند مافیای تفاوت چندانی با خشونت قانونی سیستم سرمایه‌داری ندارد؛ فقط ابزارها و پوشش‌ها متفاوت است. وقتی مایکل می‌گوید: «پیشینه‌های بهش میدم که نتونه رد کنه»، این همان منطق خشک و غیرمنطلف بازار انحصاری است.

■ یک تراژدی امریکایی

در هسته خود «پدر خوانده» یک تراژدی عمیقاً امریکایی است. امریکا پیش از استقلال و حتی پیش از آغاز جنگ‌های داخلی، همواره در چشم اروپایی‌ها به عنوان سرزمین فرصت‌های بزرگ



«پدر خوانده» یک تراژدی عمیقاً امریکایی است. امریکا پیش از استقلال و حتی پیش از آغاز جنگ‌های داخلی، همواره در چشم اروپایی‌ها به عنوان سرزمین فرصت‌های بزرگ شناخته می‌شد و پس از استقلال و پایان جنگ داخلی، سرزمینی برای تحقق رویاهای انسان غربی بود، اما آنچه به عربان‌ترین شکل ممکن خود را بروز می‌داد، خشونت و بی‌عدالتی بود که نمی‌توانست خود را در زیر زرق‌وبرق ظاهری سرمایه‌داری پنهان کند. این حقیقت بیش از همه خود را پس از پایان جنگ دوم جهانی نشان داد؛ آنجا که جنگ سرد نه صرفاً مبارزای علیه شوروی، بلکه مقاومتی مقابل برابری خواهی و عدالت‌طلبی اقتصادی بود. وعده روای امریکایی می‌گوید: سخت کار کن، با اخلاق کار کن، با اخلاق باش و به موفقیت میرسی. فیلم این وعده را به شکلی آشکار به چالش می‌کشد.

شناخته می‌شد و پس از استقلال و پایان جنگ داخلی، سرزمینی برای تحقق رویاهای انسان غربی بود، اما آنچه به عربان‌ترین شکل ممکن خود را بروز می‌داد، خشونت و بی‌عدالتی بود که نمی‌توانست خود را در زیر زرق‌وبرق ظاهری سرمایه‌داری پنهان کند. این حقیقت بیش از همه خود را پس از پایان جنگ دوم جهانی نشان داد؛ آنجا که جنگ سرد نه صرفاً مبارزای علیه شوروی، بلکه مقاومتی مقابل برابری خواهی و عدالت‌طلبی اقتصادی بود. وعده روای امریکایی می‌گوید: سخت کار کن، با اخلاق باش و به موفقیت میرسی. فیلم این وعده را به شکلی آشکار به چالش می‌کشد.

ویتو کورلونه ابتدا مردی صادق و کارگر است، اما سیستم قانونی و اجتماعی از او محافظت نمی‌کند و در برابر زورگوی محله (دون قانونی) ناتوان است. او به درستی درمی‌یابد که برای بقا و پیشرفت راهی جز زربوند و حل شدن درون سیستمی که در قالب جامعه و سیاست خلاصه شده، وجود ندارد. او مجبور می‌شود برای تأمین امنیت و عدالت، خود به یک «قانون» موازی تبدیل شود. وقتی سیستم نمی‌تواند از تو محافظت کند و امنیت و عدالت را برای تو برقرار کند، راهی نیست که تو قانون خود را داشته باشی و یک دارودسته خشن برای آن تشکیل بدهی. این چیزی نیست که فیلم آن را به عنوان یک نسخه تجویز کند، بلکه حقیقتی است که آن را ترسیم می‌کند. در واقع، فیلم به مخاطب یک راه را نشان نمی‌دهد، بلکه



از پیوند تقدس مذهبی با خشونت سازمان‌یافته برای کسب قدرت است. فیلم به خوبی نشان می‌دهد که اگرچه جامعه غربی و امریکایی قوام معنوی خود را از مذهب می‌گیرد، اما سیاست نمی‌تواند به طور عادی از این مشروعیت صرف نظر کند. نکته مهمی که درباره فیلم «پدر خوانده» نباید از نظر دور داشت، این است که این فیلم یک بیانیه هرج و مرج طلبانه نیست و اتفاقاً مقابل چنین رویکردی است. «پدر خوانده» به خوبی افشا می‌کند که هرج و مرج می‌تواند در قالب قانون و نظم ظاهری شکل گرفته و خود را در افکار عمومی تثبیت کند. با این حال، فیلم به هرج و مرج طلبی توصیه نمی‌کند و به ارزش‌های سنتی مانند خانواده، وفاداری و نظم احترام می‌گذارد، اما در عین حال نشان می‌دهد که این ارزش‌ها چگونه می‌توانند درون یک سیستم بزرگ و فاسد استحاله شوند و در نهایت این خانواده است که به عنوان یک نهاد ریشه‌دار درون یک سیستم فاسد به نابودی کشیده می‌شود. سیستم در واقع هیولایی است که با اشتباهی وصف‌ناپذیر هر ارزشی را می‌بلعد و در خود هضم می‌کند. از این منظر، «پدر خوانده» را نباید فقط محدود به مخاطب امریکایی دانست، بلکه مخاطب این فیلم هر سیستم و کشوری در سطح جهان می‌تواند باشد، چرا که نظم امریکایی پروژه‌ای جهانی است. وقوع بخشی از حوادث فیلم در کوبا به همین معنا را جاع می‌دهد.

■ کوبا بسیار فراتر از یک لوکیشن

کشور کوبا در قسمت دوم فیلم «پدر خوانده» بسیار فراتر از یک لوکیشن ساده است و به شدت ناظر به مفاهیمی مهم بستر ساز حوادث فیلم شده است. کوبای پیش از انقلاب، بهشتی مصنوعی برای سرمایه‌داران امریکایی و مافیا بود؛ جایی که قوانین اخلاقی و حقوقی ایالات متحده در آن تعلیق می‌شدند، اما همین کوبا در آتش انقلاب سوسیالیستی در حال تحول است. کشوری که برای مایکل کورلونه و دیگر سرمایه‌داران، توصیف‌کننده و بستر یک «معامله بزرگ» است؛ فرصتی برای کسب ثروت افسانه‌ای از راه کارینو، فحشا و مواد مخدر همگی تحت حمایت یک دیکتاتوری فاسد به نام باتیستا که زیر یوغ نظم امریکایی بسال و پر گرفته و می‌رود تا مردی به نام کاسترو آن را از چنبره امریکا بیرون بکشد. این

“

همه چیز در خدمت سود مافیایی سرهنگ مک کلاسنکی نماد مجری قانونی است که خشونت را در لباس قانون به سود نظم مافیایی اعمال می‌کند، نه به نفع رف یا جامعه. در واقع، پلیس در خدمت تثبیت منافع سرمایه‌داری گروه‌ها یا گروهک‌های خرد و کلانی است که هر قدر خشن‌تر باشند و بهتر در قالب زدوبندهای قوانین نانوشته عمل کنند، موفق‌تر هستند.

دوب‌شدن پلیس در قالب این چارچوب به عینه در فیلم در معرض دید مخاطب قرار می‌گیرد. اینجاست که حقیقت اصلی واژه قانون رخ می‌نماید: اینکه فقط یک قانون وجود دارد و آن قدرت است و هر معنایی در برابر آن رنگ می‌یازد. سناتور پات‌گری در قسمت دوم، نماد ریاکاری و فساد در بالاترین سطوح قدرت است. جمله معروف مایکل به او «همه ما بخشی از یک ریاکاری هستیم.» اوج این نقد در قسمت سوم است، جایی که فساد تا واتیکان نفوذ می‌کند. مراسم غسل تعمید موازی با قتل عام در پایان فیلم اول، یک استعاره بصری تکان‌دهنده

“

خانواده، ایسن مقدس‌ترین و بارزش‌ترین عنصر درون فیلم، با خیانت فردو و قتل او از سوی مایکل و ترک مایکل از سوی کی که حقیقت قاتل بودن او برایش فاش شده، تبدیل به یک تراژدی عمیق و معنادار در پایان قسمت دوم «پدر خوانده» می‌شود. روای امریکایی حتی به خانواده هم رحم نمی‌کند، هر قدر ظاهر سازی‌ها تلاش کند استحکام آن را القا کند

بهشت ظاهری که پایگاه گروهک‌ها و دارو دسته‌های امریکایی قرار دارد، در حال سقوط است. همین مکان در وضعیت پیش از انقلابی، طمع و جاه‌طلبی مایکل را به اوج خود می‌رساند. او در کوبا تصمیم می‌گیرد با دروغ و خشونت، امپراتوری مافیایی خود را تا این جزیره گسترش دهد.

کوبا بستر فاش‌شدن دو خیانت محوری فیلم است که مسیر سقوط روح مایکل را به عنوان مدیر تشکیلات کامل می‌کند و موضوع خیانت را تا مرز حلهای از جنابت در قالب برادر کشی امتداد می‌دهد. «فردو» برادر ساده‌ل مایکل به او خیانت کرده است و این برای مایکل که خانواده برایش یعنی همه چیز از او یک دیوانه می‌سازد. آشکار شدن این حقیقت در هاوانا، پایتخت کوبا رخ می‌دهد؛ لحظه‌ای که فردو با غفلت و در حالت مستی فاش می‌کند که جانی اولا را می‌شناسد. بوسه معروف مایکل با جمله‌ای کلیدی («می‌دانم تو بودی، فردو. تو قلبم را شکستی») رقم می‌خورد، آن هم در یک میهمانی شوم در کوبا. پروسهای که پایان برادری آنها و فروپاشیدن خانواده را رقم می‌زند.

سفر به کوبا همچنین نشان دهنده کامل شدن دروغ مایکل به همسرش کی است. او به کی قول داده بود تجارت خانواده را قانونی کند، اما کوبا اثبات می‌کند که او نه تنها این کار را نکرده، بلکه عمیق‌تر در باثلاق یک فساد بین‌المللی فرو رفته است.

خانواده، این مقدس‌ترین و بارزش‌ترین عنصر درون فیلم، با خیانت فردو و قتل او از سوی مایکل و ترک مایکل از سوی کی که حقیقت قاتل بودن او برایش فاش شده، تبدیل به یک تراژدی عمیق و معنادار در پایان قسمت دوم «پدر خوانده» می‌شود. روای امریکایی حتی به خانواده هم رحم نمی‌کند، هر قدر فروپاشی این فیلم در آتش انقلاب سوسیالیستی در حال تحول است.

■ سقوط اجتناب‌ناپذیر در میان یک جشن

در طول سقوط مایکل، رژیم دیکتاتوری باتیستا که ضامن منافع گروهک‌های مافیایی شکل گرفته در درون سیستم ایالات متحده است در آستانه فروپاشی است. صحنه جشن طبقه اشراف در هاوانا که با حضور گسترده سران گروه‌های مافیایی در حال برگزاری است، در تضاد کامل با شورش‌های خیابانی و حرکت چریک‌های انقلابی ترسیم شده است.

فروپاشی قریب‌الوقوع رژیم باتیستا را اقماری از ایالات متحده است، آیینهای در برابر مایکل است و به او نشان می‌دهد قدرتی که بر پایه فساد، خشونت و استثمار بنا شده، چقدر شکننده و ناپایدار است. همانطور که در فیلم توضیح داده شده، مایکل با تکیه بر این سقوط مایکل توطئه می‌چیند و این تصاویر برای سقوط مایکل توطئه می‌چینند و این تصاویر در کنار هم یک تدوین سینمایی تاریخی را خلق کرده است: اضمحلال در یک سو و بر آمدن در سوی دیگر. فرار آشفته مایکل از هاوانا در میان هرج و مرج انقلاب، پیش‌نمایشی از تنهایی و شکست نهایی خود است.

در یک کلام، کوبا در «پدر خوانده» نماد «نقطه اوج سراب» است. جایی که وعده قدرت مطلق و ثروت بی‌پایان، درست در لحظه لمس شدن، به خاکستر خیانت، فروپاشی اخلاقی و تنهایی مطلق تبدیل می‌شود. این مکان، مقصد نهایی سفر مایکل به تاریکی نیست، بلکه ایستگاه اصلی در مسیری ترازیک است، جایی که او آخرین فرصت‌هایش برای بازگشت را از دست می‌دهد.

اوج بارنمایی این مفهوم که مافیا چطور می‌تواند یک حکومت تشکیل دهد و در عین حال مشروع جلوه کند، در موازی‌سازی صحنه غسل تعمید با قتل عام عینیت می‌یابد. مایکل در مراسم کلیسا در حال برات از نماد شیطان است، در حالی که به دستور او دشمنانش در سراسر شهر قتل‌عام می‌شوند. این صحنه استعاره‌ای بی‌نظیر از دولت مدرن در غرب است؛ استعاره‌ای که مشروعیت خود را از تشریفات قانونی و اخلاقی می‌گیرد، اما قدرت نهایی‌اش بر پایه خشونت بی‌پنهان و سیستماتیک بنا شده است.

مایکل نماد نسلی است که می‌خواهد کاملاً «امریکایی» و مشروع باشد، اما مسیر فاسدشدن او نشان می‌دهد که برای کسب قدرت در این سیستم، حتی اگر از دروازه قانون هم وارد شوی، باید دست‌هایت را به خون آلوده کنی. سقوط اخلاقی او نقدی به کل سیستم قدرت است، نه فقط مافیا.

بنابراین، «پدر خوانده» یک بیانیه سیاسی که خواستار سرنگونی باشد نیست، بلکه یک تراژدی عمیقاً انسانی است که می‌گوید: به عملکرد قدرت نگاه کنید نه به نام آن. فرقی نمی‌کند که این قدرت «ایالات متحده امریکا» نام داشته باشد یا «خانواده کورلونه». در نهایت، منطق آن یکی است: حفظ قدرت از طریق خشونت و ثروت، توجیه شده با روایتی از نظم، محافظت و خانواده. مافیا در این فیلم، آیین تاریکی است که انعکاس زشت سیاست و قدرت در امریکا را نشان می‌دهد.

«پدر خوانده» در واقع یک مرثیه ترازیک برای نابودی اخلاق در زیر چکمه‌های بی‌رحم سرمایه‌داری است، جایی که خانواده کورلونه هم محصول این سیستم است و هم قربانی آن.